

وفور منابع طبیعی و صادرات غیرنفتی: رهیافت GMM

ابوالفضل شاه‌آبادی^۱
استاد اقتصاد دانشکده اقتصاد دانشگاه بوعلی سینا
اسحاق ترکاشوند^۲
کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، گروه مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تویسرکان، ایران
هانیه ثمری^۳
دانشجوی دکتری علوم اقتصادی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه رازی

چکیده

گرچه فراوانی منابع طبیعی به طور بالقوه تأثیر مثبتی بر توسعه متغیرهای کلان اقتصادی از جمله صادرات غیرنفتی دارد، اما تجارب اقتصادی بیانگر این واقعیت که عمده کشورهای صادرکننده منابع طبیعی با مشکلات اقتصادی متعددی مواجه هستند، از این رو با توجه به نقش کلیدی منابع طبیعی، هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر فراوانی منابع طبیعی از کانال شاخص آزادی اقتصادی بر روی صادرات غیرنفتی کشورهای برگزیده در حال توسعه و توسعه یافته با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) طی دوره ۲۰۰۰-۲۰۱۲ است. در این راستا متغیرهای تولید ناخالص داخلی، نرخ ارز واقعی و تأثیر متقابل شاخص آزادی اقتصادی با فراوانی منابع طبیعی به عنوان مؤلفه‌های اثرگذار بر روی صادرات غیرنفتی در نظر گرفته شده‌اند. شواهد آماری مستحکم حاکی از وجود رابطه مستقیم و معنادار بین تأثیر متقابل شاخص آزادی اقتصادی با فراوانی منابع طبیعی و صادرات غیرنفتی در هر دو گروه از کشورهای مورد مطالعه است. به علاوه، رابطه تولید ناخالص داخلی و نرخ ارز واقعی و متغیر وابسته برای هر دو گروه از کشورهای مورد مطالعه، مستقیم برآورد شده است.

واژگان کلیدی: فراوانی منابع طبیعی، صادرات غیرنفتی، آزادی اقتصادی، روش گشتاورهای تعمیم یافته

طبقه‌بندی موضوعی: E30, Q58, Q56, Q38, Q37, F18

مقدمه

منابع طبیعی، به عنوان یکی از عوامل غیرقیمتی اثرگذار بر صادرات در هر کشوری، یکی از مهم‌ترین منابع ثروت ملی در جهان محسوب می‌شوند که لزوم توجه و مدیریت آن با توجه با

1. Email: shahabadia@gmail.com

«نویسنده مسئول»

2. Email: Es.torkashvand@gmail.com

3. Email: Haneisamari@gmail.com

کمیابی منابع طبیعی بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد. طی سالیان گذشته و به ویژه در دو دهه گذشته در ارتباط با نقش منابع طبیعی در اقتصادهای دارای چنین منابع خدادادی، مباحث گسترده و متنوعی از سوی اقتصاددانان مطرح شده‌است. سال‌ها تصور بر این بود که کشورهای دارای منابع طبیعی فراوان - به عنوان یک ثروت خدادادی - باید عملکرد اقتصادی بهتری نسبت به کشورهای فاقد این منابع را داشته‌باشند، اما با گذشت زمان و به ویژه جنگ جهانی دوم شواهد تجربی حکایت از عملکرد ضعیف اکثر کشورهای غنی از لحاظ منابع طبیعی در مقایسه با سایر کشورهای فقیر از لحاظ منابع طبیعی داشت. به طوری که در دهه‌های پایانی قرن بیستم بهترین عملکرد اقتصادی در میان کشورهای دنیا مربوط به کشورهای تازه صنعتی شده شامل کره جنوبی، هنگ‌کنگ، سنگاپور و تایوان بوده است، این در حالی است که در همین دوران بسیاری از کشورهای غنی از لحاظ منابع طبیعی نظیر کشورهای نفتی مکزیک، نیجریه و ونزوئلا وضعیت ناامیدکننده‌ای داشته‌اند (Sachs & Warner, 1997). پس از مطالعاتی در زمینه پدیده بیماری هلندی و مسائل مربوط به شوک‌های قیمتی منابع طبیعی و به ویژه نفت در دهه ۱۹۷۰، تأثیر منابع طبیعی بر متغیرهای کلان اقتصادی و آثار و تبعات این منابع توجه پژوهشگران را به خود معطوف کرده است. افرادی همچون ساکس و وارنر (۱۹۹۵ و ۱۹۹۷) و گیلفاسن^۱ (۱۹۹۷، ۱۹۹۸ و ۲۰۰۰) در پژوهش‌های خود به بازدارنده و محدودکننده بودن فراوانی منابع طبیعی برای رونق اقتصادی و به عبارتی به تأثیر منفی وفور منابع طبیعی بر روی متغیرهای کلان اقتصادی اشاره کرده‌اند. همچنین آوتی^۲ (۱۹۹۳) اقتصاددان صاحب نام انگلیسی در کتاب «پایدار کردن توسعه در کشورهای مبتنی بر منابع طبیعی: نظریه نظریه نظریه منابع طبیعی»^۳ عبارت نفرین منابع طبیعی را برای توضیح عدم استفاده مناسب کشورها از منابع طبیعی خود به کار برده است. از طرف دیگر، در برخی از مطالعات تجربی از قبیل استینجز^۴ (۲۰۰۳)، سالای مارتین و سوبرمانیان^۵ (۲۰۰۳) و لدرمن و مالونی^۶ (۲۰۰۳) بر رابطه مثبت بین فراوانی منابع طبیعی و رونق اقتصادی تأکید شده است. بنابراین می‌توان گفت همه کشورهای غنی از نظر منابع طبیعی عملکرد اقتصادی ضعیفی نداشته‌اند، بلکه کشورهایی را می‌توان یافت که با مدیریت و کنترل متغیرهایی از قبیل فساد،

-
1. Th. Gylfason
 2. R. Auty
 3. Resource Curse
 4. J. Ph. Stijns
 5. X. Sala-i-Martin and A. Subramanian
 6. D. Leaderman and W. F. Maloney

سرمایه‌گذاری، درجه آزادی، مدیریت و آموزش توانسته‌اند با استفاده بهینه از منابع طبیعی به رشد اقتصادی و رونق اقتصادی قابل توجهی دست یابند (Papyrakis & Gerlagh, 2004). بنابراین در این مطالعه تلاش شده است تأثیر شاخص فراوانی منابع طبیعی - که از حاصل ضرب وفور منابع طبیعی در شاخص آزادی اقتصادی به دست آمده است - بر روی میزان صادرات غیرنفتی دو گروه از کشورها مورد بررسی قرارگیرد. در حقیقت تلاش شده است که با استناد به مبانی نظری و مطالعات تجربی انجام شده به بررسی تأثیر فراوانی منابع طبیعی از کانال شاخص نهادی آزادی اقتصادی بر صادرات غیرنفتی با بهره‌گیری از مدل گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM)^۱ در بین کشورهای برگزیده توسعه یافته و نوظهور^۲ (برخی اعضای OECD) و کشورهای در حال توسعه^۳ در دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ پرداخته شود و در نهایت توصیه‌های لازم به سیاست‌گذاران کشورهای برگزیده در حال توسعه در این حوزه ارائه گردد.

در ادامه، به بیان مبانی نظری پرداخته شده و سپس پیشینه تحقیق مرور می‌شود. پس از آن مدل مناسب ارائه شده و نتایج تخمین، تجزیه و تحلیل خواهد شد و در انتها نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی ارائه می‌گردد.

۱- مبانی نظری

طی سالیان گذشته و به ویژه در دو دهه اخیر مباحث متنوع و گسترده‌ای در ارتباط با نقش منابع طبیعی - به عنوان یکی از مهم‌ترین ثروت‌های ملی - از سوی اقتصاددانان مطرح شده است. در ابتدا این تصور وجود داشت که کشورهای دارای منابع طبیعی از شرایط اقتصادی مطلوب‌تری نسبت به کشورهای فاقد این ثروت‌های خدادادی برخوردار هستند. همچنین بر اساس نظریه هکشر^۴ (۱۹۱۹) و اوهلین^۵ (۱۹۳۳) این گونه کشورها می‌توانند در مقوله صادرات نیز از شرایط قابل قبولی برخوردار باشند. از طرف دیگر آوتی (۱۹۹۳) نخستین بار اصطلاح «نفرین منابع طبیعی» را این گونه مطرح نمود که گر چه بر اساس

1. Generalized Method of Moments

۲. عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD): استرالیا، اتریش، کانادا، شیلی، جمهوری چک، دانمارک، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، مکزیک، نروژ، ترکیه، انگلستان و ایالات متحده.

۳. عضو سازمان اوپک (OPEC) و خاورمیانه: الجزایر، بحرین، اکوادور، مصر، ایران، اردن، کویت، لیبی، نیجریه، عمان، قطر، عربستان، سوریه، امارات، ونزوئلا و یمن.

4. E. Ph. Heckscher

5. B. Ohlin

دیدگاهی سنتی، نقش منابع طبیعی در توسعه کشورها در مراحل اولیه توسعه حیاتی است، اما شواهدی که از تلاش کشورها در راه صنعتی شدن پس از جنگ جهانی دوم به دست آمده است و همچنین عملکرد کشورهای در حال توسعه دارای منابع معدنی از سال ۱۹۶۰ نشان می‌دهد که ممکن است این منابع برای کشورهایی با درآمد پایین و متوسط کمتر سودمند باشند. پس از اوتی پژوهشگرانی همچون دی لانگ و ویلیامسون^۱ (۱۹۹۴)، ساکس و وارنر (۱۹۹۵، ۱۹۹۷ و ۲۰۰۱) و گیلفاسن (۱۹۹۷، ۱۹۹۸ و ۲۰۰۰ و ۲۰۰۸) نیز در مطالعات خود به نوعی نظریه نفرین منابع طبیعی اوتی را تأیید کردند. البته استفاده از عبارت نفرین منابع طبیعی بدان معنا نیست که تمام کشورهای دارای منابع طبیعی عملکرد قابل قبولی از لحاظ پیشرفت اقتصادی ندارند، بلکه محققینی همچون استینجز^۲ (۲۰۰۵) و لدرمن و مالونی^۳ (۲۰۰۳) در مطالعات خود نه تنها نظریه نفرین منابع اوتی را رد کردند، بلکه به رابطه مثبت بین فراوانی منابع طبیعی و رونق اقتصادی نیز تأکید کرده‌اند. به طور نمونه کشورهایی مانند کانادا، نروژ، ایالات متحده آمریکا را می‌توان یافت که توانسته‌اند با مدیریت صحیح منابع، اعمال سیاست‌های نظارتی و حاکمیتی مناسب و مدیریت و سرمایه‌گذاری، ارتقاء درجه آزادی، آموزش و کنترل متغیرهایی مانند فساد به کشورهای پیشگام در عرصه اقتصادی جهان تبدیل شوند (Papyrakis & Gerlagh, 2004). بر این اساس، اصلاحات در نهادهای یک کشور می‌تواند تأثیر مثبتی بر روی صادرات کشورهای مربوطه خود داشته باشد (شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۸۸). همچنین بر اساس نظر لاو و همکاران^۴ (۲۰۱۰) کشورهایی که شاخص آزادی اقتصادی آن‌ها بزرگ‌تر است، صادرات بیشتری نسبت به کشورهایی دارند که شاخص آزادی اقتصادی آن‌ها کوچک‌تر است. بنابراین می‌توان این گونه ادعا نمود که شاخص آزادی اقتصادی به عنوان متغیری نهادی می‌تواند باعث افزایش در نتیجه صادرات غیرنفتی یک کشور گردد. برای تبیین بهتر اثرگذاری فراوانی منابع طبیعی از کانال آزادی اقتصادی بر روی صادرات غیرنفتی، لازم است علاوه بر شاخص آزادی اقتصادی کل، تأثیرگذاری فراوانی منابع طبیعی از کانال اجزای^۵ شاخص آزادی اقتصادی بر روی صادرات غیرنفتی مورد تجزیه و تحلیل قرارگیرد.

-
1. J. B. DeLong and J. G. Williamson
 2. J. Ph. Stijns
 3. D. Leaderman and W. F. Maloney
 4. Law et al
 5. sub-indices

ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت^۱ یکی از اجزای آزادی اقتصادی است. واضح است که قوانین و مقررات دست و پاگیر همواره یکی از موانع مهم تولید و سرمایه‌گذاری و صادرات محسوب می‌گردد. بنابراین جوامعی که نهادهای ناکارآمد و دولت امنیت‌زدا دارند، معضلاتی همچون مقررات زاید، نرخ‌های بالای مالیاتی، بی‌ثباتی اقتصادی، موانع تجاری، فساد اقتصادی و نقص حقوق مالکیت را تجربه می‌کنند که وجود همین معضلات موجب افزایش هزینه فعالیت‌های اقتصادی شده و این امر باعث می‌شود که این کشورها، حتی با وجود منابع طبیعی بیشتر و ارزان‌تر، بدلیل تولید کالاهایی با هزینه بالاتر قدرت رقابت در بازارهای جهانی را نداشته باشند. در مقابل در صورت عدم وجود قوانین دست و پاگیر در بازار کسب‌وکار و وجود قوانین و مقررات متناسب، شرکت‌ها و به طور کلی تر بخش‌های مختلف تولید می‌توانند منابع طبیعی در دسترس خود به نحو بهتری استفاده کرده و در بازارهای بین‌المللی حضور موفق و پر رنگ‌تری را داشته باشند. به علاوه حمایت از حقوق مالکیت نه تنها می‌تواند زمینه‌ساز کاهش هزینه‌های تولید و به طبع آن افزایش تولید و قدرت رقابت‌پذیری شرکت‌ها در بازارهای بین‌المللی را فراهم آورد بلکه موجب افزایش انگیزه کارآفرینی و نوآوری، دعوت به عرضه محصول و دانش فنی و خدمات جدید و بهبود کارایی نیروی کار می‌گردد و در نتیجه افزایش صادرات غیرنفتی خواهد شد (Zhang & Roelfsema, 2009). بنابراین اگر ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت کشورهای دارای منابع طبیعی با نگرش علمی و منطبق با واقعیات و توانمندی‌های جامعه تنظیم شود، قطعاً در این جوامع شاهد هدایت ثروت‌های طبیعی در ایجاد ظرفیت‌ها و مزیت‌های نسبی اکتسابی جدید خواهد بود و در نهایت شاهد افزایش قدرت رقابت‌پذیری و توسعه صادرات غیرنفتی و تبدیل ثروت تجدیدناپذیر به تجدیدپذیر خواهیم بود.

یکی دیگر از اجزای آزادی اقتصادی دسترسی به پول سالم^۲ است. پول سالم معیاری است که نشان می‌دهد دولت به چه میزان از قدرت انحصاری خود اجتناب می‌ورزد و سوءاستفاده کمتری از آن دارد. این مؤلفه شامل رشد نقدینگی، انحراف معیار نرخ تورم، نرخ تورم در سال گذشته و امکان برخورداری از حساب بانکی با ارز خارجی است. برای کسب رتبه‌ای بالا در این حوزه، باید تورم کشورها کم و باثبات بوده و دولت به مردم اجازه داشتن پول کشورهای دیگر را بدهد. بنابراین انتظار می‌رود دسترسی آسان هر کشور به پول سالم به بهره‌مندی اجزای اقتصاد

1. property Right

2. access to sound money

آن کشور از فراوانی منابع در راستای اصلاح ساختارهای اقتصادی و در نهایت افزایش قدرت رقابت‌پذیری و تحقق اقتصاد دانش بنیان کمک می‌کند که این امر می‌تواند به افزایش صادرات غیرنفتی آن کشور بیانجامد. همچنین می‌توان انتظار داشت با توجه به اینکه اولاً، رابطه‌ای منفی بین نرخ تورم و میزان صادرات وجود دارد، و ثانیاً، دسترسی به ارزهای خارجی و امکان برخورداری از حساب‌های ارزی می‌تواند موجب سهولت فرآیند صادرات گردد، در نتیجه، کشورهایی که از نظر شاخص دسترسی به پول آسان در وضعیت و رتبه بهتری هستند نیز می‌توانند با استفاده مناسب‌تر از منابع طبیعی و مدیریت صحیح آن، توان رقابت در بازارهای جهانی را داشته باشند.

از دیگر اجزای آزادی اقتصادی آزادی تجارت بین‌الملل^۱ است که شامل محدودیت‌های تجارت (سهمیه، تعرفه، کنترل نرخ ارز و ...) است. با توجه به رشد تجارت بین‌الملل در چند دهه اخیر همواره این سؤال در مجامع بین‌المللی و نیز مراکز علمی و سمینارهای اقتصادی مطرح بوده که آیا رشد تجارت می‌تواند باعث افزایش صادرات کشورها گردد یا خیر؟ به طور کلی در پاسخ به این سؤال دو دیدگاه متفاوت وجود دارد، عده‌ای معتقدند آزادسازی تجاری می‌تواند صرفه‌های عملیاتی، اصلاح فن‌آوری و بهره‌وری را از طریق تخصیص نمودن و استفاده از عوامل تولید و فن‌آوری جهانی به ارمغان آورد. همچنین در مواردی که فرصت‌ها در سطح کشوری محدود هستند، این سیاست می‌تواند کاربرد مولد سرمایه در سطح جهانی را فراهم کرده و نرخ‌های بازده پس‌انداز و سرمایه‌گذاری را حداکثر نماید (سالم و یوسف‌پور، ۱۳۹۱).

علاوه بر این، آزادسازی تجاری باعث می‌شود تا بنگاه‌های داخلی به عوامل تولید در سطح گسترده و با هزینه کمتر دست یابند، که این امر باعث انتقال تابع تولید به سمت خارج می‌شود (Romer, 1989): و کشورهایی که سیاست آزادسازی تجاری اتخاذ کرده‌اند، دانش جهانی را با رشد سریع‌تر و نرخ بالاتری، انباشت می‌کنند (Edwards, 1992).

از سوی دیگر، کشورهای در حال توسعه و اغلب با درآمد کم که تولید آن‌ها کاربر است در فرآیند آزادسازی تجاری ممکن است متضرر شده و اشتغال و صادرات آن‌ها کاهش یابد. علاوه بر این، ممکن است در صورت افراط در فرآیند جهانی شدن سیاست‌های ملی قربانی سیاست جهانی شده و به نوعی حاکمیت اقتصادی کشور را تحت‌الشعاع خود قرار دهد. بنابراین در کشورهای دارای فراوانی منابع طبیعی نباید صرفاً نگاه به سیاست‌های تجاری رفع موانع تجارت

1. freedom to trade

باشد. بلکه سیاست‌های تجاری باید بسترساز استفاده مطلوب از فراوانی منابع طبیعی جهت گسترش سرمایه‌گذاری‌های متنوع به ویژه در زمینه گسترش بازار سرمایه انسانی و سرمایه مالی و ... باشد تا شاهد افزایش قدرت رقابت‌پذیری و گسترش و افزایش سهم صادرات غیرنفتی در کل صادرات باشیم.

دیگر شاخص آزادی اقتصادی قوانین و مقررات مناسب^۱ که شامل قوانین بازار اعتبارات، بازار نیروی کار و فضای کسب و کار است. یکی از عواملی که می‌توانند بر روی صادرات هر کشور تأثیرگذار باشد این است که تا چه اندازه قوانین و مقررات، ورود به بازارها را محدود می‌کند و از آزادی شرکت‌اشخاص در مبادلات داوطلبانه می‌کاهد. در بازار اعتبارات از طریق رفع ممنوعیت، بازارهای اقتصادی ایجاد می‌شوند که مقداری از ریسک را تقبل کرده و ریسک را بین افراد توزیع می‌نماید. کاهش ریسک همواره باعث افزایش سرمایه‌گذاری، افزایش تولید، افزایش قدرت رقابت‌پذیری و به دنبال آن افزایش صادرات غیرنفتی می‌شود (صامتی و همکاران، ۱۳۸۹). در حالی که عملکرد ضعیف بازارهای اعتباری منجر به محدود شدن و افزایش هزینه سرمایه‌گذاری، به ویژه برای بنگاه‌های خرد و کوچک شده و مانع از ورود بنگاه‌ها به برخی فعالیت‌های اقتصادی و کاهش قدرت رقابت‌پذیری آن‌ها در بازارهای بین‌المللی می‌گردد. همچنین قوانینی که بازار کار را انعطاف‌ناپذیر می‌کنند از جمله موانع پیش‌روی فرصت‌های شغلی محسوب شده و موجب انتقال نیروی کار از بخش رسمی به بخش غیررسمی و یا حتی خروج کارگران از بخش‌های مولد می‌گردد که نتیجه آن ایجاد مشاغل کمتر، کاهش تولید و کاهش قدرت رقابتی خواهد بود (World Bank, 2006). بنابراین وجود قوانین مناسب در حوزه‌های فوق‌الذکر می‌تواند به استفاده بهینه و مدیریت صحیح از فراوانی منابع طبیعی و ارزان‌قیمت در راستای تقویت ساختارهای تولید و افزایش قدرت رقابت‌پذیری و در نهایت افزایش صادرات غیرنفتی بیانجامد.

اندازه دولت^۲ آخرین شاخص آزادی اقتصادی است. دولت یکی از بخش‌های مهم اقتصادی در هر کشور به شمار می‌رود که در کنار نقش هدایت‌کننده‌اش در اقتصاد، در زمینه‌های تولیدی نیز نقش عمده‌ای را ایفا می‌نماید. برخی اقتصاددانان معتقدند در شرایط مختلف اقتصادی فعالیت‌های دولت با توجه به ساختار اقتصادی، حجم فعالیت‌های دولت و غیره می‌تواند بر

1. setting proper regulations

2. government size

شاخص‌های کلان اقتصادی از جمله صادرات دارای اثر مثبت، منفی و یا حتی بی‌اثر باشد (حیدری و همکاران، ۱۳۸۹). بر اساس منطق جهانی شدن وجود یک دولت بزرگ در اقتصاد، از انگیزه مشارکت‌های گسترده مردمی در فعالیتهای اقتصادی می‌کاهد و در مقابل یک دولت کوچک و اصطلاحاً چابک با واگذاری امور تصدی‌گری خود به بخش خصوصی می‌تواند به گسترش فضای رقابتی در آن کشور کمک کند که این امر می‌تواند منجر به استفاده بهینه و مدیریت صحیح فراوانی منابع در راستای تقویت ساختارهای تولید و افزایش قدرت رقابت‌پذیری و در نهایت صادرات گردد.

در نهایت می‌توان این گونه استدلال نمود اگر کشورها بتوانند منابع طبیعی را به خوبی مدیریت نمایند، می‌توانند در بازارهای بین‌المللی از مزیت رقابتی بهره‌مند شده و در توسعه صادرات به ویژه صادرات غیرنفتی خود عملکرد موفق‌تری داشته‌باشند. به عبارت دیگر، کشورهایی که از نظر آزادی اقتصادی و همچنین منابع طبیعی شرایط بهتری را دارا می‌باشند، می‌توانند از لحاظ صادرات غیرنفتی دارای وضعیت مطلوب‌تری باشند.

۳- پیشینه پژوهش

سونگ^۱ (۲۰۱۵) با تکیه بر روش پویای داده‌های پانل^۲ به بررسی عوامل تعیین‌کننده صادرات هجده کشور طی دوره زمانی ۱۹۹۲-۲۰۰۸ پرداخته است که نتایج حاکی از اثر مثبت و معنادار تولید ناخالص داخلی و مخارج تحقیق و توسعه بر روی صادرات کشورهای منتخب است. خالقی و همکاران^۳ (۲۰۱۵) به بررسی اثر سیاست خارجی و نرخ ارز بر روی صادرات خرمای ایران طی دوره ۱۹۹۱-۲۰۱۱ با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی^۴ می‌پردازند. نتایج این مطالعه حاکی از رابطه مثبت نرخ ارز و میزان صادرات خرما و رابطه منفی بین سیاست‌های کوتاه‌مدت و برونزای دولت و میزان صادرات این محصول دارد.

هوی و همکاران^۵ (۲۰۱۵) با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی به بررسی اثر نرخ ارز واقعی بر روی صادرات کشورهای ASEAN^۶ به مقصد چین پرداخته‌اند. نتایج مطالعه بیانگر این است که نرخ ارز واقعی رابطه مثبت و معناداری را با صادرات تک تک کشورهای عضو

1. B. Sung
2. dynamic panel
3. L. Khaleghi and M.S. Fadaei
4. Ordinary Least Squares (OLS)
5. CH. W. Hooy et al
6. Association of Southeast Asian Nation

ASEAN به چین دارد، همچنین کشش درآمدی در تمامی گروه‌های صادراتی مثبت بوده و رابطه‌ای مستقیم با ارتقاء فن‌آوری دارد.

سونارا^۱ (۲۰۱۰) با استفاده از مدل جاذبه^۲ به بررسی اثر آزادی اقتصادی بر جریان تجارت بین‌الملل برای ۱۳۱ کشور در بازه زمانی ۲۰۰۰-۲۰۰۵ پرداخته است. نتایج تخمین بیانگر این است که ارتقاء شاخص آزادی اقتصادی نه تنها موجب افزایش ارزش جریان تجارت بین‌الملل در کشورهای منتخب گردیده است، بلکه ممکن است موجب تغییر جایگاه جریان تجارت کشورها نیز گردد.

کارابه و بین^۳ (۲۰۰۹) با استفاده از روش پانل دیتا^۴ به بررسی اثر اصلاحات نهادی بر صادرات سیزده کشور اروپای مرکزی در دوره زمانی ۱۹۸۰-۲۰۰۰ پرداخته‌اند. نتایج حاکی از تأثیر مثبت و معنادار متغیرهای اصلاح نهادی و اصلاح سیاست رقابت بر صادرات دارد.

شاه‌آبادی و همکاران (۱۳۹۰) با تکیه بر روش‌های اقتصادسنجی پانل دیتا تأثیر عوامل نهادی بر روی صادرات غیرنفتی کشورهای اسلامی عضو گروه D8 برای دوره زمانی ۱۹۹۵-۲۰۰۷ را مورد تخمین قرار داده‌اند. نتایج بیانگر آن است که عوامل نهادی نظیر محیط کسب و کار، رعایت حق ثبت اختراع، کیفیت آموزش و منشاء قانونی در افزایش اثرگذاری عوامل غیرقیمتی بر روی صادرات غیرنفتی کشورهای منتخب مورد مطالعه مؤثر بوده است.

شاه‌آبادی و رحیمی (۱۳۹۰) به بررسی تأثیر حقوق مالکیت فکری بر صادرات کشورهای گروه ۱۵ در دوره زمانی ۱۹۹۵-۲۰۰۷ با استفاده از روش تحلیل - مقایسه‌ای پرداخته‌اند. نتایج مطالعه نشان می‌دهد حمایت گسترده‌تر از حقوق مالکیت فکری در حوزه‌های نیازمندی‌های متقابل اعضای گروه ۱۵، زمینه مناسبی برای افزایش سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تحقیق و توسعه و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، افزایش قدرت رقابت‌پذیری و در نتیجه افزایش صادرات به ویژه صادرات با فن‌آوری بالا را فراهم خواهد نمود ولی حمایت بیشتر از حقوق مالکیت در صورتی به طور مستقیم و یا از کانال سایر متغیرها بر صادرات اثرگذار خواهد بود که شرایط مناسبی برای کاربردی شدن ثبت اختراع‌ها فراهم شود.

1. R. J. Sonara
2. gravity model
3. K. Crabbe and M. Bine
4. panel data

اشرف‌زاده و عسگری (۱۳۸۵) به مطالعه آثار سیاست‌های تجاری و ارزی بر روی تجارت کالاهای صنعتی در ایران با استفاده از روش داده‌های تلفیقی پرداخته‌اند. نتایج مطالعه نشان‌دهنده تأثیر منفی تعرفه بالا بر روی صادرات و وجود رابطه مستقیم بین نرخ ارز مؤثر و صادرات ایران است.

ابریشمی و همکاران (۱۳۸۵) به بررسی تأثیر آزادسازی تجاری بر رشد صادرات و واردات کشورهای در حال توسعه منتخب با استفاده از روش پویای داده‌های پانل طی دوره زمانی ۱۹۷۱-۲۰۰۲ پرداخته‌اند که یافته‌های تخمین حاکی از آن است که صادرات دارای رابطه منفی با قیمت‌های نسبی و عوارض صادراتی و رابطه مثبت با درآمد جهانی و آزادسازی تجاری است.

شاه‌آبادی (۱۳۸۳) به بررسی تأثیر بهره‌وری کل عوامل بر روی صادرات غیرنفتی اقتصاد ایران طی دوره ۱۳۳۸-۱۳۸۲ با استفاده از تکنیک همگرایی یوهانسن و حداقل مربعات معمولی پرداخته است. براساس نتایج مطالعه بهره‌وری کل عوامل، بهبود نرخ ارز واقعی و سطح واردات جهانی تأثیر مثبتی بر صادرات غیرنفتی کالاها دارد.

با نگاهی گذرا به مطالعاتی که در آن‌ها صادرات به عنوان متغیر وابسته و با این محوریت انجام شده است، ملاحظه می‌گردد، متغیرهای توضیحی و مستقل غالب این مطالعات، متغیرهای پولی از قبیل نرخ ارز و تولید ناخالص داخلی بوده و تاکنون مطالعات جامعی در خصوص تأثیر متقابل فراوانی منابع طبیعی با شاخص نهادهای آزادی اقتصادی و مدیریت صحیح آن بر صادرات صورت نگرفته است. بر این اساس، در این مطالعه تلاش شده است که علاوه بر بررسی تأثیرات متغیرهای پولی فوق‌الذکر، با محوریت شاخص نهادهای آزادی اقتصادی، نقش فراوانی منابع طبیعی و مدیریت صحیح این نعمت‌های خدادادی و تجدیدناپذیر، با استفاده از اجزای شاخص آزادی اقتصادی بر روی میزان صادرات کالاها و خدمات در دو گروه از کشورهای دارای منابع طبیعی در حال توسعه و توسعه‌یافته مورد ارزیابی قرار گرفته است.

۴- الگوی اقتصادسنجی، داده‌ها و روش‌شناسی

مطالعه پیش‌رو از نوع تحلیل آماری، توصیفی و مقایسه‌ای است که به بررسی رابطه میان صادرات غیرنفتی و فراوانی منابع طبیعی از کانال شاخص آزادی اقتصادی برای دو گروه از کشورهای برگزیده در حال توسعه و توسعه‌یافته پرداخته است. نحوه انتخاب کشورهای در حال توسعه بر این اساس بوده است که نسبت صادرات سوخت به کل صادرات آن کشور نباید کمتر از

۵۰ درصد باشد. همچنین کشورهای توسعه‌یافته و نوظهور در این مطالعه به عنوان یک گروه کنترل مناسب با منابع طبیعی و عملکرد خوب برگزیده شده‌اند تا امکان مقایسه یافته‌ها بین دو گروه فراهم گردد. در این مطالعه با الهام از مطالعات فرهادی و همکاران^۱ (۲۰۱۵)، لاو و همکاران (۲۰۱۰)، پورجوان و همکاران (۱۳۹۲) از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته برای ارزیابی متغیرها استفاده شده است که در آن صادرات غیرنفتی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده و علاوه بر شاخص تأثیر متقابل فراوانی منابع طبیعی با اجزای شاخص آزادی اقتصادی - به عنوان متغیر توضیحی اصلی - که از حاصل ضرب آزادی اقتصادی و وفور منابع طبیعی به دست آمده است، متغیرهای مستقل دیگری نیز از جمله: نرخ ارز واقعی، آزادی اقتصادی و تولید ناخالص داخلی، برای جامعه آماری مدنظر تخمین زده شده‌اند که تصریح اقتصادسنجی آن به صورت معادله (۱) خواهد بود. لازم به ذکر است مدل اقتصادسنجی لگاریتمی بوده و حرف L قبل از متغیرها گواه این مطلب است:

$$LExport_{it} = \alpha_i + \beta_1 * LABUND_{it} + \beta_2 * LErate_{it} + \beta_3 * LGDP_{it} + \beta_4 * LEF_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

در مدل فوق $LExport_{it}$ ، لگاریتم صادرات غیرنفتی به عنوان متغیر وابسته مدل، $LABUND_{it}$ حاصل ضرب شاخص وفور منابع طبیعی در شاخص آزادی اقتصادی است که به صورت لگاریتمی آورده شده است، $LErate_{it}$ لگاریتم نرخ ارز واقعی، $LGDP_{it}$ لگاریتم تولید ناخالص داخلی، LEF_{it} لگاریتم شاخص آزادی اقتصادی کل است که به عنوان متغیرهای توضیحی مدل می‌باشند و α_i اثرات ثابت کشوری یا همان عرض از مبداها و ویژه هر مقطع است. در این مطالعه، به منظور بررسی تأثیر فراوانی منابع طبیعی از کانال شاخص آزادی اقتصادی، حاصل ضرب متغیر آزادی اقتصادی کل و اجزای پنج‌گانه در شاخص وفور منابع طبیعی (Fuel) - که به صورت نسبت صادرات نفت و گاز، سنگ‌های معدنی و کانی‌ها به کل صادرات کالاها و خدمات هر کشور در نظر گرفته شده است - مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. شایان ذکر است متغیرهای صادرات غیرنفتی، وفور منابع طبیعی، نرخ ارز واقعی و تولید ناخالص داخلی کشورهای مورد بررسی از پایگاه آماری WDI و آمار مربوط به آزادی اقتصادی از مؤسسه فریزر^۲ برای سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۰۰ استخراج شده‌اند. در ادامه تلاش می‌شود متغیرهای به کار رفته در مدل به اختصار معرفی گردند.

1. M.Farhadi et al
2. www.freetheworld.com

۴-۱- تأثیر متقابل فراوانی منابع طبیعی از کانال شاخص آزادی اقتصادی (ABUNL)

متغیر توضیحی اصلی مدل است و از حاصل ضرب شاخص وفور منابع طبیعی در اجزای شاخص آزادی اقتصادی کل به دست آمده است.

۴-۱-۱- شاخص آزادی اقتصادی کل (EF)^۱

در این مطالعه از شاخص آزادی اقتصادی جهان (EFW)^۲ که مؤسسه فریزر آن را به منظور اندازه‌گیری سازگاری نهادها و سیاست‌های کشورها با آزادی اقتصادی بخش خصوصی طراحی کرده و هر ساله منتشر می‌نماید، استفاده شده است که شاخصی موزون و مرکب از ۳۸ شاخص فرعی و پنج شاخص اصلی با وزن‌های متفاوت است. این شاخص عددی بین صفر و ده است و هر قدر این عدد بزرگ‌تر بوده و به ده نزدیک‌تر باشد، آزادی اقتصادی در آن کشور بیشتر است. پنج شاخص اصلی این شاخص عبارتند از: ۱- اندازه دولت؛ ۲- ساختار قضایی و امنیت و حقوق مالکیت؛ ۳- دسترسی به نقدینگی سالم؛ ۴- آزادی در تجارت بین‌الملل؛ و ۵- قوانین مالی، بازار کار و تجارت.

۴-۱-۲- حاصل ضرب اندازه دولت در وفور منابع طبیعی (SIZE)

اندازه دولت از اجزای اصلی شاخص آزادی اقتصادی بوده و دارای چهار مؤلفه است. بر این اساس کشوری که سهم مخارج دولتی کوچک‌تری از کل مخارج اقتصاد داشته باشد و میزان مالیات کمتری دریافت کند، آزادی اقتصادی بیشتری هم خواهد داشت. این شاخص در فراوانی منابع طبیعی ضرب شده تا پس از تخمین آن بر روی صادرات غیرنفتی مشخص گردد کشورها در تخصیص منابع، کالاها و خدمات به جای انتخاب از طریق فرآیند سیاسی، تا چه اندازه بر مبنای انتخاب فردی و عملکرد بازارها اقدام کرده و این امر چه تأثیری بر روی توسعه صادرات غیرنفتی داشته است.

۴-۱-۳- حاصل ضرب ساختار قانونی امنیت حقوق مالکیت در وفور منابع طبیعی (LEGAL)

ساختار قانونی امنیت حقوق مالکیت یکی دیگر از اجزای اصلی شاخص آزادی اقتصادی است و در وفور منابع طبیعی ضرب شده است. با تخمین مدل نشان داده می‌شود حمایت از حقوق مالکیت چه تأثیری بر استفاده صحیح و مدیریت مناسب منابع طبیعی و تجدیدنپذیر هر کشور داشته و چگونه می‌تواند موجبات افزایش رقابت‌پذیری کشورها در

1. Economic Freedom

2. Economic Freedom of the World

عرصه صادرات غیرنفتی را فراهم سازد. مؤلفه‌های این شاخص عبارتند از: نظام قضایی مستقل و بی‌طرف، مداخله ارتش در حاکمیت قانون و فرآیند سیاسی، حمایت از حقوق مالکیت و یکپارچگی نظام حقوقی.

۴-۱-۴- حاصل ضرب شاخص دسترسی به نقدینگی سالم در وفور منابع طبیعی (ACCES) دسترسی به پول سالم از اجزای اصلی آزادی اقتصادی است و از چهار شاخص فرعی رشد نقدینگی، مالکیت ارزهای خارجی، نرخ تورم فعلی و تغییر تورم در پنج سال اخیر تشکیل گردیده در وفور منابع طبیعی ضرب شده است تا نشان داده شود کشورهای دارای منابع طبیعی چگونه با کسب امتیاز بالا در این شاخص می‌توانند موجب ارتقاء سطح صادرات غیرنفتی خود شوند. لازم به ذکر است اعمال سیاست‌ها و قبول نهادهایی که به ثبات قیمت‌ها و نرخ تورم پایین و کاهش ضوابط محدودکننده برای شهروندان جهت استفاده از ارزهای رایج منجر می‌شود، باعث افزایش آزادی اقتصادی در این مقوله می‌گردد.

۴-۱-۵- حاصل ضرب شاخص آزادی در تجارت بین‌الملل در وفور منابع طبیعی (FTRADE) آزادی در تجارت بین‌الملل یکی دیگر از اجزای اصلی آزادی اقتصادی است و دارای پنج شاخص فرعی مالیات و تعرفه‌های گمرکی، موانع تجاری قانونی، تفاوت نرخ ارز رسمی و بازار سیاه، کنترل بازار سرمایه و حجم بخش تجارت است. تخمین حاصل ضرب این متغیر در وفور منابع طبیعی نشان می‌دهد آزادی در تجارت بین‌الملل چه تأثیری بر استفاده بهینه از منابع طبیعی در جهت بهبود صادرات غیرنفتی آن کشور را دارد. لازم به ذکر است آزادی اقتصادی بیشتر نیز از طریق تعرفه‌های گمرکی کمتر، تسهیل دسترسی به ارزهای خارجی، کنترل‌های محدود سرمایه و بخش تجاری گسترده کسب می‌شود.

۴-۱-۶- حاصل ضرب شاخص قوانین و مقررات در وفور منابع طبیعی (REGUE) قوانین و مقررات نیز از اجزای اصلی آزادی اقتصادی است و از مؤلفه‌هایی نظیر میزان مشارکت بانک‌های خصوصی و خارجی، محدودیت نرخ سود بانکی، سهم سپرده‌ها در بانک‌های خصوصی، محدودیت در قوانین دستمزد و اخراج نیروی کار و سهم اشتغال‌زایی دولت تشکیل شده است. حاصل ضرب این متغیر در وفور منابع طبیعی نشان می‌دهد قوانین و مقررات مناسب در بازار کار، بازار اعتبارات و فضای کسب و کار چه تأثیری بر استفاده صحیح و بهینه منابع طبیعی و خدادادی و به طبع آن ارتقاء صادرات غیرنفتی یک کشور دارد. مداخله بی‌جا و

نادرست دولت در مکانیزم قیمت‌گذاری بازار، قوانین بازدارنده ورود به کسب و کار و اعمال تبعیض در پرداخت‌های مالی و یارانه‌ای به برخی از کسب و کارها به ضرر کسب و کارهای دیگر، موجب کاهش آزادی اقتصادی از منظر این شاخص می‌شود.

سایر متغیرهای کنترلی مطالعه عبارتند از: نرخ ارز واقعی (LErate)؛ در این مطالعه از نرخ ارز واقعی^۱ به عنوان متغیر کنترل استفاده گردیده است. برای محاسبه نرخ ارز واقعی از شاخص سباستین ادواردز^۲ (۱۹۸۸) استفاده گردیده است.

تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت (LGDP)؛ تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت^۳ سال ۲۰۰۵ و در واحد میلیون دلار در نظر گرفته شده است.

بر اساس مبانی نظری و مطالعات تجربی، انتظار بر آن است که میزان صادرات غیرنفتی رابطه زیر را با متغیرهای توضیحی مورد نظر داشته باشد:

$$\begin{aligned} \frac{\partial LExport_{it}}{\partial LABUND_{it}} > 0, \quad \frac{\partial LExport_{it}}{\partial LEF_{it}} > 0, \quad \frac{\partial LExport_{it}}{\partial LErate_{it}} > 0, \\ \frac{\partial LExport_{it}}{\partial LGDP_{it}} > 0, \quad \frac{\partial LExport_{it}}{\partial LACCES_{it}} > 0, \\ \frac{\partial LExport_{it}}{\partial LFTRADE_{it}} > 0, \quad \frac{\partial LExport_{it}}{\partial LREGUL_{it}} > 0, \\ \frac{\partial LExport_{it}}{\partial LEGAL_{it}} > 0, \quad \frac{\partial LExport_{it}}{\partial LSIZE_{it}} < 0 \end{aligned} \quad (2)$$

با توجه به محدودیت دوره زمانی و اینکه این پژوهش یک مطالعه بین کشوری است، روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) تکنیک آماری مطلوبی خواهد بود. این تخمین‌زن که مبتنی بر مدل‌های پویای پانلی است، در معادلاتی که در تخمین آن‌ها، اثرات غیرقابل مشاهده خاص هر کشور و وجود وقفه متغیر وابسته در متغیرهای توضیحی مشکل اساسی است، مورد استفاده قرار می‌گیرد (Barro & Lee, 1996). همچنین این روش اغلب هنگامی به کار می‌رود که تعداد متغیرهای برش مقطعی (N) بیشتر از تعداد زمان و سال‌ها (T) باشد ($N > T$) که در بحث مقاله حاضر نیز این گونه است، یعنی تعداد کشورها بیشتر از تعداد زمان است (Bond, 2002) و (Baltagi, 2008). لازم به ذکر است که برای تخمین مدل به وسیله این روش لازم است ابتدا متغیرهای ابزاری به کار رفته در مدل مشخص شوند. به طور کلی، روش

1. real exchange rate
2. S.Edward
3. Constant GDP

فوق‌الذکر نسبت به روش‌های دیگر دارای مزایایی از جمله حل مشکل درونزا بودن متغیرهای نهادی، کاهش یا رفع هم‌خطی در مدل، حذف متغیرهای ثابت در طی زمان و افزایش بعد زمانی متغیرها است (Hsiao, 2003).

۴- آزمون مدل و تجزیه و تحلیل نتایج

در این قسمت، به برآورد داده‌های ترکیبی برای کشورهای برگزیده در حال توسعه و توسعه‌یافته پرداخته می‌شود. در روش داده‌های ترکیبی با لحاظ کردن ناهمگنی در مقاطع، تورش برآورد و هم‌خطی کاهش می‌یابد و کارایی، درجه آزادی و تغییرپذیری را افزایش می‌دهد. همچنین در این روش، مدل پیچیده‌تری قابل بررسی است و اثرات، بهتر مشخص و اندازه‌گیری می‌شوند. از این رو ابتدا باید مشخص شود که تفاوت فردی یا به اصطلاح ناهمگنی در مقاطع وجود دارد یا مقاطع با هم همگن هستند؟ آزمون F لیمر وجود ناهمگنی را در بین مقاطع مشخص می‌کند. فرضیه صفر آماره F مبتنی بر همگن بودن مقاطع است. چنانچه فرض صفر رد شود، فرضیه مقابل آن مبتنی بر وجود ناهمگنی در بین مقاطع (داده‌های ترکیبی) پذیرفته می‌شود. بر اساس نتایج جدول (۱)، برای کشورهای توسعه‌یافته و نوظهور F لیمر (۵۰/۸) بزرگ‌تر از F بحرانی (۱/۷۸۱) است، همچنین برای کشورهای در حال توسعه F لیمر (۱۷/۱۲) بزرگ‌تر از F بحرانی (۱/۷۸۱) است. بنابراین فرض صفر رد و فرض مقابل یعنی وجود ناهمگنی مقاطع پذیرفته می‌شود که بر این اساس روش داده‌های ترکیبی برای هر دو حالت مناسب است.

جدول (۱): نتایج آزمون قابلیت تخمین به صورت داده‌های ترکیبی (آزمون F-Limer)

Effect Test	کشورهای توسعه‌یافته و نوظهور		کشورهای در حال توسعه	
	Statistic	Prob	Statistic	Prob
Cross – Section F	50.8	0.000	17.12	0.000

*منبع: محاسبات تحقیق

پس از مشخص شدن وجود ناهمگنی در مقاطع و قابل لحاظ بودن تفاوت‌های فردی و همچنین مناسب بودن روش داده‌های ترکیبی، بایستی مشخص گردد که خطای تخمین ناشی از تغییر در مقاطع بوده و یا اینکه در طول زمان رخ داده‌است؟ در چگونگی در نظر گرفتن چنین خطاهایی با دو اثر ثابت و تصادفی مواجه می‌شویم که برای مشخص کردن اثرات ثابت^۱ و

1. fixed effect

تصادفی از آزمون هاسمن استفاده می‌کنیم. در این آزمون فرضیهٔ صفر مبتنی بر تصادفی بودن خطای برآورد است و فرضیهٔ مقابل مبتنی بر ثابت بودن خطا است. نتایج تخمین در جدول (۲) بیانگر آن است که برای هر دو گروه کشورهای مورد مطالعه فرضیه صفر رد شده و فرض مقابل پذیرفته شده است، به عبارت دیگر با توجه به اینکه $P\text{-Value} \geq 0/05$ ، مدل اثرات تصادفی^۱ است.

جدول (۲): نتایج آزمون هاسمن

احتمال	آماره χ^2	گروه کشورها	مدل داده‌های ترکیبی
0.0561	10.91	توسعه‌یافته و نوظهور	مدل پویا
0.08792	2.45	در حال توسعه	(با متغیر با وقفه)

*منبع: محاسبات تحقیق

قبل از ارائه نتایج تخمین مدل، برای اطمینان از ساختگی نبودن و در پی آن نتایج نامطمئن، به بررسی ایستایی متغیرهای به کار رفته در معادلات فوق می‌پردازیم. در آزمون ایستایی، فرضیهٔ صفر تأکید می‌کند که تمام متغیرها دارای ریشه واحد هستند و فرض مقابل، نشانگر مانایی متغیرها است، لذا اگر فرض صفر پذیرفته نشود، داده‌های مورد نظر مانا می‌باشند. جدول (۳) نشان می‌دهد که فرض صفر در آزمون ایستایی برای تمامی متغیرها رد شده است و فرض مقابل پذیرفته شده است، بنابراین متغیرها مانا می‌باشند.

جدول (۳): نتایج آزمون مانایی متغیرها برای کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه مورد مطالعه

کشورهای توسعه‌یافته و نوظهور				کشورهای در حال توسعه			
<i>Export</i>	-4.59 (0.00)	<i>SIZE</i>	-2.48 (0.01)	<i>Export</i>	-1.78 (.002)	<i>SIZE</i>	-2.81 (0.00)
<i>REGUL</i>	-3.52 (0.00)	<i>LEGAL</i>	-3.12 (0.00)	<i>REGUL</i>	-2.01 (0.00)	<i>LEGAL</i>	-4.97 (0.00)
<i>Erate</i>	-8.29 (0.00)	<i>ACCES</i>	-4.21 (0.00)	<i>Erate</i>	-1.89 (0.02)	<i>ACCES</i>	-5.97 (0.00)
<i>GDP</i>	-3.12 (0.00)	<i>FTRAIID</i>	-2.24 (0.00)	<i>GDP</i>	-3.79 (0.00)	<i>FTRAIID</i>	-4.98 (0.00)
<i>EF</i>	-2.32 (0.01)	<i>ABUND</i>	-3.09 (0.00)	<i>EF</i>	-2.31 (0.01)	<i>ABUND</i>	-4.91 (0.00)

*منبع: محاسبات پژوهش

**اعداد داخل هر سلول جدول به ترتیب مقدار آماره تعدیل شده t و اعداد داخل پرانتز $p\text{-value}$ در سطح معناداری ۵٪ را نشان می‌دهند.

برآورد مدل در هر دو گروه، با استفاده از متغیرهای تولیدناخالص داخلی، نرخ ارز و فراوانی منابع طبیعی که از حاصل ضرب آزادی اقتصادی و وفور منابع طبیعی به دست آمده است، صورت گرفته است. لازم به ذکر است، شاخص وفور منابع طبیعی، به صورت نسبت صادرات نفت و گاز، سنگ‌های معدنی و کانی‌ها به کل صادرات کشورها در نظر گرفته شده است. همچنین شاخص آزادی اقتصادی مورد استفاده در این مطالعه شاخص آزادی اقتصادی جهان (EFW) است که از مؤسسه فریزر به دست آمده است. این مؤسسه برای محاسبه این شاخص پنج زیرگروه از قبیل اندازه دولت، ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت، دسترسی به پول سالم، آزادی تجارت بین‌المللی و مقررات را مورد مطالعه قرار داده است. در این مطالعه تلاش شده است که اثرات اجزای شاخص آزادی اقتصادی به تفکیک بر روی صادرات غیرنفتی مورد ارزیابی قرار گیرد. نتایج تخمین مدل به وسیله برآوردگر گشتاور تعمیم‌یافته (GMM) در جداول (۴) و (۵) آورده شده است.

بر اساس نتایج تخمین، در هر دو گروه از کشورها، رابطه‌ای مثبت و معناداری میان تأثیر متقابل فراوانی منابع طبیعی با شاخص آزادی اقتصادی کل و میزان صادرات غیرنفتی وجود دارد. به طوری که دامنه ضریب این متغیر برای کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته به ترتیب (+۰/۰۵) و (+۰/۱۱) است. لذا می‌توان بیان داشت همانند نتایج مطالعه سونار (۲۰۰۸) کشورهایی که موفق به بهبود شاخص‌های آزادی اقتصادی جهت حضور مناسب‌تر بخش خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی بوده‌اند، توانسته‌اند با تقویت ساختار تولید و افزایش فضای رقابتی موفقیت بیشتری را در عرصه صادرات غیرنفتی به دست آورند. همچنین مشاهده می‌گردد در هر دو گروه از کشورهای مورد مطالعه، حاصل ضرب شاخص آزادی اقتصادی کل و تمامی اجزای آن در وفور منابع طبیعی به استثنای شاخص اندازه دولت، تأثیر مثبتی بر روی صادرات غیرنفتی کشورهای مورد مطالعه دارند. ضریب تخمینی حاصل ضرب شاخص ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت در وفور منابع طبیعی کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته مورد مطالعه به ترتیب برابر (+۰/۰۶) و (+۰/۰۴) است. به بیان دیگر مطابق نتایج مطالعات آسید و همکاران^۱ (۲۰۱۲)، مینسو و دانگیان^۲ (۲۰۱۳)، تاناکا و ایواسکو^۳ (۲۰۱۳)، سامتی و همکاران (۱۳۹۳)، صامتی و همکاران (۱۳۸۹) و طارم‌سری (۱۳۸۵) وضع قوانین و مقررات قوی به خصوص در عرصه حقوق مالکیت،

1. E. Asid et al

2. L. Minsoo and P. Donghyun

3. H. Tanaka and T. Iwaisako

مانع نقض امتیازات مادی انحصاری صاحبان اختراعات و طراحان توسط دیگران گردیده و این امر با توجه با منابع ارزان موجود، موجب تشویق و ترغیب صاحبان ایده‌های نو در جهت تولید کالاهای جدید و سوق یافتن منابع خدادادی و طبیعی در جهت ایجاد ظرفیت‌های جدید و مزیت‌های نسبی و گسترش فعالیت‌های تولیدی و صادرات غیرنفتی در عرصه بین‌المللی می‌گردد. ضریب تخمینی تأثیر متقابل فراوانی منابع طبیعی با متغیر دسترسی به پول سالم برای کشورهای توسعه‌یافته و نوظهور و کشورهای در حال توسعه به ترتیب برابر $(+0/05)$ و $(+0/06)$ است که حکایت از رابطه مثبت بین تأثیر متقابل فراوانی منابع طبیعی با شاخص دسترسی به پول سالم و صادرات غیرنفتی است. به بیان دیگر پائین بودن هزینه تولید مانند نرخ تورم، هزینه دسترسی به منابع ارزی و همچنین ارزان‌قیمت بودن منابع طبیعی و نفتی، موجب می‌شود کشورها بتوانند با تولید کالاهایی با قیمت کمتر جایگاه بهتری در بازارهای بین‌المللی به دست آورده که این امر باعث افزایش صادرات غیرنفتی می‌شود. ضریب تخمینی تأثیر متقابل فراوانی منابع طبیعی با شاخص آزادی تجارت بین‌المللی در هر دو کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه منتخب برابر $(+0/06)$ است که حکایت از رابطه مستقیم بین تأثیر متقابل فراوانی منابع طبیعی با آزادسازی تجارت بین‌المللی و صادرات غیرنفتی دارد و منطبق بر نتایج مطالعات ادواردز (۱۹۹۲)، رومر (۱۹۸۹)، سالم و یوسف‌پور (۱۳۹۰) و ابریشمی و همکاران (۱۳۸۵) است. ضرائب تخمینی متغیر در دو گروه از کشورهای مورد مطالعه حاکی از تأثیر مثبت بیشتر آزادسازی تجاری بر روی صادرات غیرنفتی کشورهای توسعه‌یافته نسبت به کشورهای در حال توسعه را دارد که نشان‌دهنده آن است که با توجه به ساختار اقتصادی نامناسب در کشورهای در حال توسعه تنها رفع موانع تجارت کارساز نیست، بلکه سیاست‌های تجاری در این کشورها باید بستر ساز استفاده مطلوب از فراوانی منابع طبیعی جهت گسترش سرمایه‌گذاری‌های متنوع به ویژه در زمینه گسترش بازار سرمایه انسانی و سرمایه مالی را فراهم آورد تا شاهد افزایش قدرت رقابت‌پذیری و گسترش و افزایش صادرات غیرنفتی باشیم.

تأثیر متقابل فراوانی منابع طبیعی با قوانین و مقررات مناسب تأثیر مثبتی بر روی صادرات غیرنفتی در هر دو گروه از کشورهای توسعه‌یافته و نوظهور و کشورهای در حال توسعه دارد به طوری که ضرائب تخمینی این متغیر به ترتیب برابر $(+0/07)$ و $(+0/06)$ و معنادار است. به بیان دیگر مطابق نتایج مطالعاتی چون داوزون^۱ (۲۰۰۶)، صامتی و همکاران (۱۳۸۹) کشورهایی که

با حذف قوانین اضافی محدودیت‌های ورود به بازار اعتبارات و نیروی کار را کاهش داده‌اند، توانسته‌اند با استفاده بهینه از فراوانی منابع طبیعی خود و گسترش فضای رقابتی دست به تولید کالاهایی بزنند که در بازارهای بین‌المللی مزیت رقابتی کسب کنند و در عرصه صادرات غیرنفتی موفقیت‌هایی به دست آورند. ضریب تخمینی تأثیر متقابل فراوانی منابع طبیعی با شاخص اندازه دولت برای کشورهای توسعه‌یافته و نوظهور و کشورهای در حال توسعه مورد مطالعه به ترتیب برابر $(+0/06)$ و $(+0/05)$ است. البته ضریب متغیر فوق‌الذکر تنها در گروه کشورهای توسعه‌یافته معنادار است. بر اساس نتایج مطالعه حاضر و مطالعات لویزیدیس و واموکاس^۱ (۲۰۰۵)، گریگوری و گوش^۲ (۲۰۰۹)، رفیعی و زیبایی (۱۳۸۲) و حسینی و همکاران (۱۳۸۷) می‌توان بیان داشت کشورهای توسعه‌یافته توانسته‌اند با خصوصی‌سازی و کاهش هزینه‌های دولت، پرهیز از انحصار و همچنین گسترش فضای رقابتی، زمینه لازم برای حضور بهتر و هرچه پرنسبتر بخش خصوصی و فعالان اقتصادی در عرصه تولید را فراهم نموده و در نتیجه با استفاده بهینه از ثروت‌های خدادادی ارزان قیمت و تغییر ساختار تولید صادرات غیرنفتی خود را ارتقاء داده‌اند. در حالی که در کشورهای در حال توسعه مورد مطالعه با وجود منابع طبیعی فراوان و ارزان قیمت نسبت به کشورهای فاقد این منابع خدادادی، دولت‌ها با اتخاذ تدابیر صحیح اقتصادی در راستای کاهش رانت و افزایش انگیزه مشارکت‌های گسترده مردمی و بخش خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی شاهد استفاده مناسب از ثروت‌های خدادادی توسعه‌یافته قابل قبولی در میزان صادرات غیرنفتی این کشورها در بازارهای بین‌المللی نمی‌باشیم.

به علاوه، بر اساس نتایج تخمین و مطابق نتایج مطالعات خالقی و همکاران (۲۰۱۵)، دونگ و همکاران (۲۰۱۵)، علمدارلو و همکاران (۱۳۹۱)، شاه‌آبادی (۱۳۸۳) و تقوی (۱۳۸۲)، در تمامی حالات تخمینی، ضریب متغیر نرخ ارز واقعی برای کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه مثبت و معنادار است. به دیگر بیان، افزایش نرخ ارز موجب می‌گردد صادرکنندگان بتوانند ارز حاصله از صادرات خود را در داخل به قیمت بالاتری به فروش برسانند و از این راه درآمد بیشتری کسب نمایند و این امر موجب ترغیب سایر فعالان اقتصادی به صادرات می‌گردد.

ضریب متغیر تولید ناخالص داخلی در تمام حالات تخمینی برای هر دو گروه کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته مثبت و معنادار است، به دیگر بیان کشورها با تولید ناخالص داخلی بیشتر امکان صادرات کالا و خدمات بالاتری هستند. نتایج مطالعات سونگ (۲۰۱۵)،

1. J. Loizides and G. Vamvoukas

2. A. Gregoriou and S. Ghosh

نجفی‌علمدارلو و همکاران (۱۳۹۱) و تقوی (۱۳۸۲) نیز بیانگر رابطه مستقیم تولید ناخالص داخلی و صادرات کالا و خدمات است.

ضریب متغیر صادرات غیرنفتی دوره قبل در هر دو گروه از کشورهای توسعه‌یافته و نوظهور و کشورهای در حال توسعه به ترتیب در دامنه تغییرات $+0/۲۴$ تا $+0/۳۰$ و $+0/۲۸$ تا $+0/۶۰$ است.

جدول (۴): نتایج برآورد تخمین گشتاورهای تعمیم‌یافته برای کشورهای در حال توسعه

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶
C	0.39 (0.44)	-1.47* (-1.43)	-1.49* (-1.37)	-1.54 (-1.04)	-1.67* (-1.54)	-1.48* (-1.36)
صادرات غیرنفتی باوقفه ($LExport_{t-1}$)	0.6*** (7.37)	0.49*** (4.62)	0.28*** (2.64)	0.29*** (2.75)	0.28*** (2.64)	0.28*** (2.69)
نرخ ارز ($LErate$)	0.01*** (2.04)	0.53*** (2.53)	0.71** (1.86)	0.68*** (2.77)	0.74** (1.94)	0.68** (2.78)
تولید ناخالص داخلی ($LGDP$)	0.14** (2.14)	0.26** (2.44)	0.26** (2.45)	0.27** (2.56)	0.26** (2.55)	0.26** (2.53)
تأثیر متقابل فراوانی منابع طبیعی با آزادی اقتصادی (LEF)	0.05*** (1.91)	-	-	-	-	-
تأثیر متقابل فراوانی منابع طبیعی با اندازه دولت ($LSize$)	-	0.05 (0.01)	-	-	-	-
تأثیر متقابل فراوانی منابع طبیعی با ساختار قانونی ($LLegal$)	-	-	0.06** (2.22)	-	-	-
تأثیر متقابل فراوانی منابع طبیعی با دسترسی به پول سالم ($LAcces$)	-	-	-	0.06** (1.92)	-	-
تأثیر متقابل فراوانی منابع طبیعی با آزادی تجارت بین‌المللی ($LTrade$)	-	-	-	-	0.06** (2.19)	-
تأثیر متقابل فراوانی منابع طبیعی با قوانین و مقررات ($LRegul$)	-	-	-	-	-	0.06** (2.00)
F –Statistic [Prob]	42.73 [0.00]	58.42 [0.00]	54.35 [0.00]	52.12 [0.00]	53.98 [0.00]	53.33 [0.00]

*منبع: محاسبات پژوهش

**اعداد داخل پرانتز مقدار آماره t را نشان می‌دهند.

***ضریب برآورد شده که دارای علامت **، * و ° هستند به ترتیب با سطوح معناداری ۰.۱٪، ۵٪ و ۱۰٪ مرتبط است.

جدول (۵): نتایج برآورد تخمین گشتاورهای تعمیم یافته برای کشورهای توسعه یافته و نوظهور

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶
C	0.16 ^{***} (2.13)	0.55 ^{***} (2.47)	1.32 ^{***} (2.42)	0.83 ^{***} (1.90)	0.23 ^{***} (2.21)	0.77 ^{***} (1.83)
صادرات غیرنفتی ($LExport_{t-1}$)	0.29 ^{***} (5.29)	0.28 ^{***} (5.04)	0.3 ^{***} (5.43)	0.24 ^{***} (4.24)	0.27 ^{***} (4.96)	0.26 ^{***} (4.71)
نرخ ارز ($LErate$)	0.03 ^{***} (2.25)	0.08 ^{***} (2.65)	0.16 ^{***} (2.4)	0.08 ^{***} (2.6)	0.05 ^{***} (2.34)	0.06 ^{***} (2.44)
تولید ناخالص داخلی ($LGDP$)	0.50 ^{***} (4.07)	0.48 ^{***} (4.02)	0.68 ^{***} (7.12)	0.50 ^{***} (4.37)	0.54 ^{***} (5.12)	0.48 ^{***} (4.60)
تأثیر متقابل فراوانی منابع طبیعی با آزادی اقتصادی (LEF)	0.11 ^{**} (3.47)	-	-	-	-	-
تأثیر متقابل فراوانی منابع طبیعی با اندازه دولت ($LSize$)	-	0.06 ^{***} (3.86)	-	-	-	-
تأثیر متقابل فراوانی منابع طبیعی با ساختار قانونی ($LLegal$)	-	-	0.04 ^{***} (3.14)	-	-	-
تأثیر متقابل فراوانی منابع طبیعی با دسترسی به پول سالم ($LAcces$)	-	-	-	0.05 ^{***} (4.07)	-	-
تأثیر متقابل فراوانی منابع طبیعی با آزادی تجارت بین المللی ($LFraid$)	-	-	-	-	0.06 ^{***} (4.16)	-
تأثیر متقابل فراوانی منابع طبیعی با قوانین و مقررات ($LRregul$)	-	-	-	-	-	0.07 ^{***} (4.74)
F -Statistic [Prob]	373.95 [0.00]	348.15 [0.00]	351.30 [0.00]	413.34 [0.00]	397.07 [0.00]	403.40 [0.00]

*منبع: محاسبات پژوهش

**اعداد داخل پرانتز مقدار آماره t را نشان می‌دهند.

ضریب برآورد شده که دارای علائم^{}،^{**} و^{*} هستند به ترتیب با سطوح معناداری ۰.۱٪، ۰.۵٪ و ۱.۰٪.

مرتبط است.

نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی رابطه فراوانی منابع طبیعی از کانال شاخص آزادی اقتصادی و میزان صادرات غیرنفتی برای دو گروه (پانزده کشور در حال توسعه و پانزده کشور توسعه‌یافته و نوظهور) است. بدین منظور، متغیر وفور منابع طبیعی، به صورت نسبت صادرات نفت و گاز، سنگ‌های معدنی و کانی‌ها به کل صادرات کالاها در نظر گرفته شده است. در مطالعه حاضر با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM)، رابطه بین متغیرهای صادرات غیرنفتی با فراوانی منابع طبیعی، نرخ ارز واقعی، تولید ناخالص داخلی و همچنین تأثیر متقابل وفور منابع طبیعی با اجزای شاخص آزادی اقتصادی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج به دست آمده نشان داد در هر دو گروه کشورهای مورد مطالعه، تولید ناخالص داخلی و نرخ ارز واقعی تأثیری مثبت و معناداری بر صادرات غیرنفتی داشته است. همچنین تأثیر متقابل چهار شاخص ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت، دسترسی به پول سالم، آزادی تجارت بین‌المللی و مقررات با فراوانی منابع طبیعی در هر دو گروه از کشورهای مورد مطالعه تأثیر مثبت با میزان صادرات غیرنفتی داشته ولی تأثیر متقابل شاخص اندازه دولت با فراوانی منابع طبیعی دارای رابطه‌ای معکوس و بی‌معنا با صادرات غیرنفتی کشورهای در حال توسعه و رابطه‌ای مستقیم با صادرات کشورهای توسعه‌یافته داشته است.

در مجموع با توجه با رابطه مثبت تأثیر متقابل شاخص آزادی اقتصادی با فراوانی منابع طبیعی بر روی صادرات غیرنفتی، سیاست‌گذاران کشورهای در حال توسعه مورد مطالعه، بایستی تدابیری بیاندیشند تا بتواند با استفاده از منابع طبیعی - که یک ثروت خدادادی محسوب می‌شود - و اتخاذ سیاست‌ها و تصویب قوانین کاربردی علاوه بر افزایش تولیدات خود، قدرت رقابت‌پذیری خود را در بازارهای جهانی ارتقاء داده و سهم خود را در بازارهای بین‌المللی افزایش دهند. لذا برخی پیشنهادات به شرح زیر است:

- دولت‌ها در کشورهای توسعه‌یافته باید با تدابیری منطقی و ملحوظ داشتن شرایط اقتصادی اقدام به اصلاح ساختار اقتصادی و سپس کاهش تدریجی محدودیت‌های تجاری از قبیل سهمیه، تعرفه و کنترل نرخ ارز نمایند؛
- سیاست‌های تجاری در کشورهای در حال توسعه تنها نباید به رفع محدودیت‌های تجاری متمرکز شود، بلکه باید در کنار آن شرایطی مهیا گردد که با استفاده مطلوب از فراوانی منابع طبیعی زمینه تولید کالاها را رقابت‌پذیر در عرصه بین‌الملل فراهم گردد؛

- تشویق بنگاه‌های بخش خصوصی به توسعه فرآیندهای متکی به فن‌آوری پیشرفته، برای توسعه ظرفیت صادراتی با تصویب قوانین حقوق مالکیت؛
- بانک‌های مرکزی در راستای کاهش هزینه‌های تولید، باید با استفاده از ابزارهای پولی اقدام به هدایت منابع مالی و از میان برداشتن محدودیت‌های بازار سرمایه نمایند؛
- فرآیند دیوان‌سالارانه که مانع ورود آسان بازار و کاهش رقابت است، بایستی از میان برداشته شود؛
- به منظور ایجاد فضای رقابتی، افزایش کیفیت کالاها و تولیدی و افزایش رقابت‌پذیری در بازارهای بین‌المللی باید تدابیری در راستای کاهش مالکیت دولت و افزایش حضور بخش خصوصی اندیشیده شود.

منابع

الف - فارسی

۱. ابریشمی، حمید؛ مهرآرا، محسن و محسنی، رضا؛ «تأثیر آزادسازی تجاری بر رشد صادرات و واردات»، فصل‌نامه پژوهش‌نامه بازرگانی، ۱۳۸۵، سال یازدهم، شماره ۴۰.
۲. اشرف‌زاده، سید حمیدرضا و عسگری، منصور؛ «آثار سیاست‌های تجاری و ارزی بر تجارت کالاهای صنعتی در ایران»، فصل‌نامه پژوهش‌نامه بازرگانی، ۱۳۸۵، سال یازدهم، شماره ۳۹.
۳. پورجوان، عبدالله؛ شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ قربان‌نژاد، مجتبی و امیری، حسین؛ «تأثیر وفور منابع طبیعی بر عملکرد همگرانی کشورهای برگزیده نفتی و توسعه یافته: رویکرد پانل GMM»، فصل‌نامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، ۱۳۹۲، سال چهارم، شماره ۱۶.
۴. تقوی، مهدی؛ و نعمتی‌زاده، سینا؛ اثر متغیرهای کلان اقتصادی بر صادرات غیرنفتی در اقتصاد ایران، پژوهش‌نامه اقتصادی، ۱۳۸۳، سال چهاردهم، شماره ۱۴.
۵. حسین‌زاده بحرینی، محمدحسین، فلاحی، محمدعلی و عرفانی جهانشاهی، فاطمه؛ «تأثیر مقررات کسب و کار بر رشد اقتصادی (منتخبی از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه)»، مجله اقتصاد و توسعه منطقه‌ای، ۱۳۹۱، سال نوزدهم، شماره ۳.
۶. حسینی، سید مهدی؛ عبدی، علیرضا؛ غیبی، علیرضا و فدایی، ایمان؛ (۱۳۸۷). ترکیب مخارج دولت و تأثیر آن بر رشد اقتصادی با تأکید بر امور و فصول بودجه عمومی دولت، فصل‌نامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۱۳۸۷، سال شانزدهم، شماره ۴۸.
۷. حیدری، حسن؛ پروین، سهیلا و فاضلی، محمد؛ «رابطه بین اندازه دولت و رشد اقتصادی: مطالعه موردی کشورهای عضو اوپک حاشیه خلیج فارس»، فصل‌نامه اقتصاد مقداری، ۱۳۸۹، سال هفتم، شماره ۳.

- ۷۸ دوفصلنامه مطالعات و سیاست‌های اقتصادی، ج ۱۳، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۶، (پیاپی ۱۰۷)
- ۸ رفیعی، هادی و زیبایی، منصور؛ «اندازه دولت، رشد اقتصادی و بهره‌وری نیروی کار در بخش کشاورزی»، اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۱۳۸۲، سال یازدهم، شماره ۴۳ و ۴۴.
- ۹ سالم، بهنام و یوسف‌پور، نفیسه؛ (۱۳۹۱). بررسی آزادسازی تجاری در کشورهای در حال توسعه، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، ۱۳۹۱، سال دوازدهم، شماره ۱.
- ۱۰ سامتی، مرتضی؛ صامتی، مجید و ملا اسماعیلی دهشیری، حسن؛ «تحلیل نقش ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با رویکرد (P-VAR) مورد کشورهای صادرکننده نفت»، مجله علمی - پژوهشی سیاست‌گذاری اقتصادی، ۱۳۹۳، سال ششم، شماره ۱۲.
- ۱۱ شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ «بررسی اثر بهره‌وری کل عوامل بر قدرت رقابت‌پذیری (مورد مطالعه ایران)»، نامه مفید، ۱۳۸۳، سال دهم (اقتصاد)، شماره ۴۵.
- ۱۲ شاه‌آبادی، ابوالفضل و صادقی، حامد؛ «مقایسه اثر وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی ایران و نروژ»، فصل‌نامه مدل‌سازی اقتصادی، ۱۳۹۲، سال هفتم، شماره ۲ (پیاپی ۲۲).
- ۱۳ شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ دهقانی احمدآباد، هانی و میرزایابازاده، سهیلا؛ «تأثیر عوامل نهادی بر صادرات غیرنفتی کشورهای اسلامی عضو گروه D8»، فصل‌نامه اقتصاد و تجارت نوین، ۱۳۸۸، سال هشتم، شماره‌های ۱۷ و ۱۸.
- ۱۴ شاه‌آبادی، ابوالفضل و رحیمی، فریمه؛ «بررسی تأثیر حقوق مالکیت فردی بر صادرات»، فصل‌نامه تخصصی پارک‌ها و مراکز رشد، ۱۳۹۰، سال هشتم، شماره ۳۲.
- ۱۵ شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ نظیری، محمد کاظم و نعمتی، مرتضی؛ «تأثیر نابرابری درآمد بر واردات کالا و خدمات کشورهای منتخب توسعه‌یافته و در حال توسعه»، فصل‌نامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، ۱۳۹۲، سال چهارم، شماره ۱۲.
- ۱۶ صامتی، مجید؛ شهنازی، روح‌الله و دهقان شیبانی، زهرا؛ «امنیت حقوق مالکیت، قوانین و مقررات بر رشد اقتصادی»، فصل‌نامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۱۳۸۹، سال پانزدهم، شماره ۴۴.
- ۱۷ صامتی، مجید و اسمعیل درجانی، نجمه؛ «تأثیر وفور منابع طبیعی بر سیاست‌های مالی دولت در ایران طی دوره (۱۳۵۷-۱۳۸۷) با تأکید بر فرضیه نفرین منابع طبیعی»، فصل‌نامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، ۱۳۹۲، سال اول، شماره ۳.
- ۱۸ طارم‌سری، مسعود؛ «نقش حمایت از حقوق مالکیت فکری در توسعه صادرات با رویکرد زنجیره تأمین»، فصل‌نامه اقتصاد و تجارت نوین، ۱۳۸۵، سال پنجم، شماره ۶.

ب- لاتین

19. Asiedu, E; 2002, "**On the determinants of foreign direct investment to developing countries: Is Africa different?**", Journal of World Development, No. 30(1).
20. Baltagi, B. H; 2008, *Econometric analysis of panel data*, Chi Chester: John Wiley & Sons Ltd.
21. Crabbe, K. & Beine, M; 2009, "**Trade, institutions and export specialization**", LICOS, Discussion Paper Series.
22. Dong, Y. Ishikawa, M. & Hagiwara, T; 2015, "**Economic and environmental impact analysis of carbon tariffs on Chinese exports**", Energy Economics, No. 50.
23. Farhadi, M., & Rabiul, I. MD. & Moslehi, S; 2015, "**Economic freedom and productivity growth in resource-rich economies**", World development, No. 72.
24. Gregoriou, A. & Ghosh, S; 2009, "**The Impact of government expenditure on growth: Empirical evidence from a heterogeneous panel**", Bulletin of Economic Research, No. 61(1).
25. Gylfason, Th; 2004, "**Natural resources and economic growth: from dependence to diversification**", CEPR discussion papers. No. 4804.
26. _____ ; 2008, "**Development and growth in mineral-rich countries**", CEPR discussion papers, No. 7031.
27. Hooy, C. W., & Law, S. H., & Chan, T. H; 2015, "**The impact of the Renminbi real exchange rate on ASEAN disaggregated exports to China**", Economic Modelling, No. 42.
28. Hsiao, C; 2003, *Analysis of panel data, 2nd edition*, Cambridge University Press.
29. Greene, W. H; 2008, "**Econometric analysis**", sixth edition, New Jersey, Upper Saddle River: Pearson International.
30. Khaleghi, L., & Shoukat Fadaei, M; 2015, "**A study on the effects of exchange rate and foreign policies on Iranians dates export**", Journal of the Saudi Society of Agricultural Sciences.
31. Law, S. H; 2010, "**Foreign direct investment, economic freedom and economic growth: International evidence**", Economic Modelling, No. 44.
32. Lederman, D., & Maloney, W; 2003, "**Open questions about the link between natural resources and economic growth: Sachs and Warner Revisited**", Central Bank of Chile Working Papers, No. 141.
33. Loizides, J. & Vamvoukas, G; 2005, "**Government expenditure and economic growth: Evidence from trivariate causality testing**", Journal of Applied Economics, No. 8(1).

34. Minsoo, L. & Donghyun, P; 2013, "**Intellectual property rights, quality of institutions, and foreign direct investment into developing Asia**", Paper Provided by Asian Development Bank in its Series ADB Economics Working Paper Series with Number 354.
35. Papyrakis, E., & Gerlagh, R; 2004, "**The resource curse hypothesis and its transmission channels**", Journal of Comparative Economics, No. 32.
36. Paudel, R. P., & Burke, P. J; 2015, "**Exchange rate policy and export performance in a land locked developing country: The case of Nepal**", Journal of Asian Economics, No. 38.
37. Prasanna, N; 2010, "**Impact of foreign direct investment on export performance in India**", Journal of Social Science, No. 24(1).
38. Sachs, J. D. & Warner, A. M; 2001, "**Natural resources and economic development: The curse of natural resource**", European Economic Review, No. 45.
39. Sonara. R; 2008, "**On the impacts of economic freedom on international trade flows: Asymmetries and freedom components**", International Journal of Business and Economics, No. 4(2).
40. Sung, B; 2015, "**Public policy supports and export performance of bioenergy technologies: A dynamic panel approach**", Renewable and Sustainable Energy Reviews, No. 3(42).
41. Tanaka, H. & Iwaisako, T; 2013, "**Intellectual property rights and foreign direct investment: A welfare analysis**", Paper Provided by Osaka University, Graduate School of Economics and Osaka School of International Public Policy (OSIPP) in its series Discussion Papers in Economics and Business with Number 13-15.
42. Zhang, Y., & Roelfsema, H; 2014, "**Unravelling the complex motivations behind China's FDI**", Journal of the Asia Pacific Economy, No. 19(1).